

# ساک راه ماکان

مزوری کوتاه بر زندگی شهید  
شاهرخ آریه بندان

نویسنده: شهرزاد آریه بندان

www.ketab.ir

شناسه آریه بندان، شهرزاد، ۱۳۴۸  
عنوان ویرایش: سالک راه پاکان: مروری کوتاه بر زندگی  
شهید شاه آریه بندان  
مشخصات نشر: نشر شهید بهشتی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (گیلان)،  
سپاه قدس، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ۷۰ ص. : منوچهر  
شابک : ۹۵۳۶۴-۷-۳ : ۶۰۰۰۰ ریال  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا، مختصر  
یادداشت : فهرستنویسی کامل ایرا اثر در دسترس است.  
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.  
شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (گیلان)، سپاه  
قدس. مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۶۹۲۸۳

# ساکن راه پاکان

مروری کوتاه بر زندگی شهید

شاهرخ آریه بندان

نویسنده: شهرزاد آریه بندان

ویراستار: ابراهیم جوادی

مراجعه: حسین علی پور

مطبع: محمد رضا یگانه

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۶۴-۷-۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## مقدمه

هو الرحمان

وقتی انسان در مدار عشق قرار گرفت و در حلقه و قلمرو محبت الهی وارد شد، خود این محبت چاره ساز است. مگر می شود انسانی خدا را دوست داشته باشد ولی خدا او را دوست نداشته باشد. مگر می شود کسی خدا را یاد کند ولی خدا او را یاد نکند؟

اینجاست که محبت متقابل، شگفت تاثیر را در شهید می گذارد که امام خمینی (ره) فرمود: «شهید نظری می کند به وجه الله...»  
دیگر محبت، یکطرفه نیست و دوستی از هر دو سراسر است.

به قول مولوی:

هر که عاشق دیدیش، معشوق دان  
کوبه نسبت هست، هم این و هم آن  
تشنگان گراب جویند از جهان  
آب جوید هم به عالم تشنگان  
چون که عاشق اوست، تو خاموش باش  
انچه گوشت می کشد تو گوش باش

اینجاست که دیگر است هید را گرفته و بالا می برند و به مهمانسرای  
فیض حضور برده و بر مانده های، منویت میهمان می کنند.  
اینجاست که غیر ممکن ها ممکن می شود، نادیدنی ها مشهود می شود،  
نگاه ها حرف می زنند، توجه ها تربیت می کند. این فیض شگفت نظر  
است. این برکت توجه است که خاک را به نعلی می اندازد.  
اقبال لاهوری می گوید:

فقیرم، از تو خواهم هر چه خواهم  
دل کوهی خراش، از برگ کاهم  
مرادرس حکیمان، درد سرداد  
که من پرورده فیض نگاهم

آنچه که این نظرها و توجه در پس دارد، خواندنی نیست، چشیدنی

است. که این، وادی عشق است و عشق با کاغذ و دفتر سرکار ندارد.

بشوی اوراق، اگر همدرس مایی

که علم عشق در دفتر نباشد

در این صورت « یافتن » ها بجای « بافتن » ها می آید و آنچه بردل  
ناب ده، بسیار کار ساز است.

یا تو گوی آنچه که عقلت یافته است

یا بگویم آنچه بر من تافته است

از جمله طالابی که از سوی خداوند به حضرت داود وحی شده است  
چنین است:

«ای داود! به اهل زمین بگو که من دوست کسی هستم که مرا  
دوست بدارد. هم نشین کسی هستم که من نشین من باشد، مونس کسی  
هستم که به یاد من انس گیرد، هر که را برگزیند من هم او را برمی گزینم،  
هر که مطیع من باشد من هم مطیع او می شوم، هر که را صاحب محبتی  
از صمیم قلب بیابم، من او را برای خود می پذیرم و پندارم دوستش می دارم  
که پیش از آن، کسی از بندگانم آنگونه دوستش نداشته باشد. کسی که به حق  
مرا بطلبد مرا می یابد. پس ای زمینیان! غرورها را رها کرده و به کرامت و  
مصاحبت و انس با من روی آورید تا من هم به شما انس گرفته و به محبت  
شما بشتابم...»

این سیاست، حالت «جذب و انجذاب» است که در عالم، وجود دارد و پیوند دهنده کائنات به یکدیگر است و باید رفت و رفت تا به وادی محبت رسید و مقیم کوی عشق گردید.

و شهید آریه بندگان شعله عشق خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام، خرمن جان را راه رزاند و دلش را مشتعل ساخت و در قفای صراط مستقیمی رفت که اولیا خدا رفتند.

و به روش مش سید شهدای ستاد کنگره‌ی شهدای استان گیلان

www.ketab.ir